

مقاله پژوهشی**عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طبقات فقیر در ایران
(رویکرد داده‌های شبه تابلویی)^۱**کمال غضنفری اقدم^۲زهرا میلا علمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰

چکیده

فقر به عنوان یکی از معضلات اجتماعی-اقتصادی، مانع از رسیدن جوامع به رشد و توسعه پایدار می‌شود. از این رو، کاهش فقر یکی از اهداف کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. لازمه اجرای سیاست‌های کاهش فقر، شناخت فقر و عوامل مؤثر بر آن است. لذا در این مطالعه، ابتدا خط فقر نسبی در سطح استان و به تفکیک شهر و روستا، با روش ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوار و استفاده از ریز داده‌های طرح هزینه-درآمد مرکز آمار ایران برای ۳۸۳۰۳ خانوار در سال ۱۳۹۲ محاسبه شد. سپس بر اساس خط فقر محاسباتی، خانوارهای فقیر شناسایی و تحلیل داده‌ای شدند. پردازش اولیه داده‌ها نشان داد که در برنامه‌های فقر زدایی باید به مسئله آمایش سرزمین توجه شود.

در مرحله بعد، الگوی مورد مطالعه، جهت بررسی عوامل مؤثر بر احتمال ورود یا خروج از چرخه فقر با روش حداکثر درستنمایی برآورد شد. نتایج برآورد مدل لاجیت داده‌های شبه تابلویی با اثرات تصادفی، نشان داد که زن بودن سرپرست خانوار اثر معناداری بر فقر دارد. متغیرهای سال‌های تحصیل و وضعیت درآمدی سرپرست خانوار، تعداد افراد باسواد و تعداد افراد شاغل خانوار اثری معنادار بر احتمال خروج از فقر دارند. بین بعد خانوار و احتمال فقیر شدن، رابطه

۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد کمال غضنفری با عنوان "عوامل مؤثر بر احتمال خروج از فقر در ایران: کاربرد روش داده‌های شبه تابلویی" به راهنمایی دکتر زهرامیلا علمی بوده است.

kamal.gh.13@gmail.com

۲. کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه مازندران

z.elmi@umz.ac.ir

۳. استاد گروه علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

مستقیم وجود دارد. هم‌چنین بین زندگی در مناطق شهری و احتمال فقیر شدن نیز رابطه مستقیم وجود دارد. تاثیر سن سرپرست خانوار بر فقر U شکل بوده است. یعنی در سال‌های جوانی و میان‌سالی احتمال خروج از فقر وجود دارد در حالی که با ورود به دوران پیری احتمال قرارگیری در دایره فقر افزایش می‌یابد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که در برنامه‌های فقرزدایی به افراد مسن به ویژه زنان سرپرست خانوار کم درآمد و بدون درآمد توجه ویژه‌ای شود.

واژگان کلیدی: خط فقر نسبی، فقر روستایی، فقر شهری، مدل لاجیت داده‌های شبه تابلویی، ریز داده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار، ایران.

Keywords: Relative Poverty Line, Rural Poverty, Urban Poverty, Logit Model of Pseudo- Panel Data, Micro Data of Household Income-Expenditure Survey, Iran.

JEL Classification: I32, C23, R20.

۱- مقدمه

جوامع انسانی در طول تاریخ با مسائل گوناگونی مواجه بوده که فقر یکی از دیرپاترین آن‌ها است. عمق و وسعت فقر در جوامع گوناگون به اقتضای شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت است. نحوه‌ی مواجهه با فقر نیز به اقتضای همین شرایط، گوناگون است. این تمایز و تنوع تا حدی است که فقر در برخی از جوامع، از جمله جوامعی که در آن نظام کاستی^۱ حکم‌فرما است، نه تنها به عنوان یک مسئله و نابسامانی در نظر گرفته نمی‌شود بلکه به عنوان امری عادی و طبیعی لحاظ می‌گردد. وجود فقر در هر جامعه بیان‌گر عملکرد نادرست و نامناسب فرآیند توزیع درآمد و ثروت در آن جامعه است. علاوه بر این، فقر معضلاتی از جمله عدم توسعه پایدار، تهدید ثبات سیاسی و به خطر انداختن سلامت جسمی و روحی ملت‌ها را در پی دارد. بر همین اساس، دولت‌ها برنامه‌ها و سیاست‌هایی را در زمینه کاهش و یا امحاء فقر اتخاذ می‌کنند. لازمه تأثیر این سیاست‌ها، درک ماهیت فقر و عوامل مؤثر بر آن است. بدیهی است که کم توجهی در این زمینه، سیاست‌گذاری‌های اشتباه، اتلاف منابع اقتصادی و در نهایت تداوم فقر را به دنبال خواهد داشت.

در ایران، دولت‌ها در دوره‌های مختلف به شکل‌های گوناگون در راستای کاستن از فقر و محرومیت اقدام کرده‌اند. توسعه‌ی خدمات زیربنایی در روستاها از جمله تامین آب آشامیدنی، تامین بهداشت و مراقبت‌های اولیه، برق رسانی و برقراری نظام حمایت از سالمندان روستایی و نیز توسعه بیمه همگانی و پوشش‌های حمایتی از بارزترین مصداق‌های این خدمات به شمار می‌آید. با این همه، بررسی‌های صورت گرفته حاکی از فراز و فرود در مبارزه با فقر است. مطالعه باقری و همکاران (۱۳۸۶)، نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ درصد فقرا بر اساس روش ۲۳۰۰ همکاران (۱۳۹۴)، نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ هرچند در برخی سال‌ها درصد فقرا کاهش یافته اما در کل، درصد فقرا روندی افزایشی داشته است.

با توجه به اهمیت فقر و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، در این مطالعه با بهره‌گیری از ریزداده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۲ و روش اقتصادسنجی داده‌های شبه

۱. کاست نوعی نظام اجتماعی در کشور هند است. در این نظام مزایای اجتماعی بر اساس نقش‌های انتسابی توزیع می‌شود. در نظام کاست، افراد عضو در رتبه‌های مختلف، حق گذر به رتبه‌های دیگر را ندارند و باید شرایط ویژه‌ای را در رفتار و اعمال خود و رابطه با اعضای رتبه‌های دیگر رعایت کنند. کاست، انتساب‌سالاری و ضد شایسته‌سالاری است.

تابلویی، عوامل مؤثر بر فقر بررسی شده است. از آن‌جا که تفاوت‌های جغرافیایی و منطقه‌ای در محاسبه خط فقر مؤثر است، لذا در این پژوهش تمامی استان‌ها در سطح شهر و روستا به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. محاسبه خط فقر در سطح استان‌ها و به تفکیک شهر و روستا یکی از تمایزات مهم این مطالعه با سایر مطالعاتی است که در ایران انجام شده است. مورد دیگر، استفاده از ریزداده‌های یک سال و دسته‌بندی آن در سطح استان‌ها و استفاده از روش داده‌های شبه‌پانلی^۱ است که در مطالعات پیشین، در پایان‌نامه ابراهیم‌پور (۱۳۹۰) در بررسی فقر زنان سرپرست خانوار ملاحظه شد که ایشان از مناطق نه‌گانه برای دسته‌بندی داده‌ها استفاده نموده است. در این مطالعه، ابتدا ۶۲ خط فقر با روش ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوار برای ۳۱ استان به تفکیک روستا و شهر محاسبه و سپس خانوار فقیر و خانوار غیر فقیر از هم تفکیک شدند. بدین ترتیب توصیف داده‌ها و برآورد اقتصادسنجی داده‌های شبه‌تابلویی امکان‌پذیر شد.

ساختار مقاله بدین ترتیب است که پس از بیان مقدمه، تعاریفی از فقر و عوامل مؤثر بر آن ارائه می‌شود. در بخش بعدی، مروری بر مطالعات داخلی و خارجی در ارتباط با پدیده فقر صورت می‌گیرد. پس از ارائه روش تحقیق، خط فقر نسبی برای استان‌های ایران، به تفکیک شهر و روستا محاسبه می‌شود تا بر اساس آن خانوارهای فقیر شناسایی و ویژگی‌های آن‌ها بررسی شود. سپس، نتایج برآورد مدل با داده‌های شبه‌پانلی و روش حداکثر درست‌نمایی ارائه می‌شود. بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری و راهبردهای سیاستی اختصاص دارد.

۲- ادبیات موضوع

۲-۱- تعریف فقر (مطلق و نسبی)

در ادبیات فارسی واژه «فقر» در لغت عبارت از نداشتن مایحتاج است و فقیر به کسی گفته می‌شود که پول کافی برای نیازهای اساسی ندارد یا کسی که پول بسیار کمی دارد. با توجه به چند بعدی بودن پدیده فقر، ارائه تعریف جامع و کامل از آن دشوار است. در ادامه به تعریف چند تن از محققان راجع به فقر اشاره خواهد شد.

۱. دو روش برای ایجاد داده‌های شبه‌پانلی یا ساختگی و یا مصنوعی وجود دارد. یکی از آن‌ها با کوهورت‌گیری در سال‌های متوالی است (راغفر و همکاران (۱۳۹۳) و علمی و نیک‌بین (۱۳۹۵)) و دیگری استفاده از داده‌های یک سال و ایجاد پانل ساختگی است (ابراهیم‌پور (۱۳۹۰)). برای مطالعه بیشتر در زمینه داده‌های شبه‌پانلی به مقاله دیتون در سال ۱۹۸۵ مراجعه نمایید.

به گفته‌ی تانسندها^۱ (۱۹۸۵)، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند. او هم‌چنین بیان می‌کند که نیازهای زندگی ثابت نیستند و دائماً با تغییراتی که در جامعه و محصولات اتفاق می‌افتد، تغییر می‌یابند. طبق تعریف آتکینسون^۲ (۱۹۸۹)، حق برخورداری از منابع و امکانات اجتماعی-اقتصادی به عنوان شاخصی برای فقر در نظر گرفته می‌شود، و اگر درآمد فرد از میزان مشخصی پایین‌تر باشد، به آن‌ها دسترسی نخواهد یافت.

فقر را می‌توان بر اساس مفاهیم گوناگونی ارزیابی کرد. فقر مطلق وضعیتی است که، فرد درآمد لازم برای تهیه حداقل‌ها را ندارد. فقر نسبی مفهومی است که بر استاندارد پایین زندگی یا درآمد پایین نسبت به بقیه جامعه مبتنی است (پور قربان، ۱۳۸۷).

از نظر رواتری^۳ (۱۹۰۱)، منظور از فقر مطلق ناتوانی در کسب حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است. به عبارتی، فقر مطلق از محرومیت یا ناتوانی فرد در کسب حداقل لوازم معاش و ارضای نیازهای اساسی سرچشمه می‌گیرد (مهریار، ۱۳۷۳). حداقل معاش مفهومی است که تعریف واحدی برای آن وجود ندارد و از یک کشور به کشور دیگر تغییر می‌یابد. علی‌رغم وجود این مسئله، معمولاً نیاز به مسکن، لباس و غذا به عنوان نیازهای اساسی در نظر گرفته می‌شود. گیوانی^۴ (۲۰۰۵)، معتقد است که فقر نسبی در مواردی مصداق دارد که سطح زندگی فرد نسبت به متوسط شرایط درآمدی جامعه، وضعیت مناسبی نداشته باشد. به عبارتی، فقر نسبی به عنوان ناتوانی در احراز یک سطح معیشت استاندارد که در جامعه فعلی فرد لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است (مهریار، ۱۳۷۳). بر اساس این تعریف، فقر پدیده‌ای از نابرابری در جامعه است.

هر دو مفهوم فقر مطلق و نسبی برای سنجش فقر توسط محققین مورد استفاده قرار می‌گیرد و اجماع کلی و صریحی مبنی بر این که کدام یک از این دو می‌تواند جایگزین بهتری برای دیگری باشد، وجود ندارد. برای اندازه‌گیری فقر، محاسبه خط فقر ضروری است. به منظور اندازه‌گیری خط فقر بر پایه مفهوم نسبی می‌توان با محاسبه میانگین مخارج خانوارها و تعیین درصدی از آن به عنوان خط فقر اقدام نمود. در این روش اگر چه به مفهوم نسبی فقر تاکید شده اما دیدگاه نظری

1. Townsend (1985)

2. Atkinson (1989)

3. Rowntree (1901)

4. Giavani (2005)

مستدلی برای تعیین درصد مورد نظر وجود ندارد. در واقع، تعیین ۵۰ درصد و یا ۶۶ درصد اختیاری و تجربی^۱ است. در این روش ابتدا میانگین مخارج سرانه محاسبه می‌شود، ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج سرانه به عنوان خط فقر در نظر گرفته می‌شود (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱).

۲-۲- عوامل مؤثر بر فقر

عوامل متعددی وجود دارند که بر فقر اثر می‌گذارند و احتمال قرارگیری خانوارها در وضعیت فقر را تغییر می‌دهند. در این قسمت به توضیح برخی از این عوامل مورد استفاده در مطالعه حاضر پرداخته می‌شود.

سن سرپرست خانوار: سن افراد به عنوان یکی از عوامل مؤثر در موقعیت آنان به عنوان کسب کنندگان درآمد از دو طریق اثرگذار است: نخست آن که بر طبق "فرضیه دوران زندگی"^۲ مدیگلیانی^۳ افراد در سنین جوانی و میان سالی، از بازدهی و کارایی بالاتری برخوردارند. دوم آن که در سنین میان سالی، افراد با افزایش مهارت و تخصص، می‌توانند به مشاغل و پست‌های بالاتری دست پیدا کنند. به طور کلی، در صورت صدق فرضیه دوران زندگی، انتظار می‌رود خانوارهایی با سرپرستانی در سنین نوجوانی و پیری، در رده‌های پایین درآمدی قرار داشته باشند. در این وضعیت، تابع برآوردی باید نسبت به متغیر سن سرپرست خانوار محذب باشد. این شکل تابع در مطالعات مینسر^۴ (۱۹۷۴ و ۱۹۵۷) در زمینه اثر آموزش بر درآمد دیده شده است.

موقعیت جغرافیایی: یکی دیگر از عواملی که در توضیح سطح رفاه خانوار به کار می‌آید، موقعیت جغرافیایی محل سکونت خانوارها است. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که تفاوت‌های محسوسی در میزان و عمق فقر در مناطق مختلف کشور مشاهده می‌شود. این تفاوت‌ها می‌توانند هم ناشی از شرایط اقلیمی و زیست محیطی و یا جمعیتی باشند و هم ناشی از شرایط

^۱. از آن‌جا که محاسبات انجام شده در این مطالعه بر مبنای اندازه‌گیری خط فقر بر اساس ۵۰ درصد میانگین مخارج سرانه با پژوهش صورت گرفته توسط خلیل حیدری و همکاران در گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار قربات بیشتری داشته است روش فوق برای محاسبه خط فقر منظور شد.

^۲. "Life Cycle" Hypothesis

^۳. Ando Modigliani

^۴. Mincer (1957 & 1974)

اقتصادی، از جمله میزان بیکاری در مناطق مختلف و منابع طبیعی موجود در آن‌ها (عرب مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳).

بعد خانوار: یکی از ویژگی‌های جوامع سنتی، بالا بودن اندازه خانوار به دلیل نرخ بالای زاد و ولد، رشد جمعیت و ویژگی‌های اجتماعی آنان است. وجود تعداد زیاد بچه در یک خانواده باعث می‌شود که منابع تولید آن خانواده سریع‌تر به پایان برسد. چرا که این گسترده‌گی خانوار که به طور عمده ناشی از افزایش تعداد جمعیت غیر مولد می‌باشد، نه تنها سبب افزایش نیازهای فیزیکی خانوار می‌شود، بلکه باعث می‌شود که مادر به عنوان یکی از افراد مولد خانواده برای سال‌های متمادی در خانه مانده و از بچه‌ها مراقبت کند. در این خانواده‌ها اگر مادر وضعیت ماندن در خانه را نپذیرد باید مبالغی را به فرد دیگر بپردازد تا این که در زمانی که او شاغل است از فرزند او مراقبت کند (به عنوان نمونه به مطالعه مک و همکاران^۱ (۲۰۰۷) مراجعه شود).

سرمایه انسانی: سرمایه انسانی به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌هایی که فرد در بازار کار همراه خود دارد اطلاق می‌شود. سرمایه انسانی کمتر، برای یک فرد، خانوار یا جامعه با کارایی کمتر و در نهایت ظرفیت‌های درآمدی پایین‌تر همراه خواهد بود چرا که کارفرمایان تمایل و اشتیاق کمتری برای جذب نیروی کار با سرمایه انسانی کمتر و حتی پرداخت دستمزدهای بالاتر به او دارند. در این رابطه باید اضافه کرد که تحصیلات و آموزش به عنوان یکی از اجزای تعیین‌کننده میزان سرمایه‌های انسانی جوامع، نقش قابل ملاحظه‌ای را در انباشت سرمایه انسانی دارا می‌باشد (حسن زاده، ۱۳۷۹).

دارایی‌های فیزیکی: جدای از درآمد یا هزینه - که معمولاً به‌منظور تعیین خانوارهای فقیر به کار می‌رود - تعدادی از متغیرهای اقتصادی وجود دارند که با فقر همستگی بالایی دارند. قابل توجه‌ترین آن‌ها اشتغال سرپرست خانوار و دارایی‌های خانوار است (بانک جهانی، ۲۰۰۵). از جمله مواردی که نشان‌دهنده دارایی‌های فیزیکی خانوار می‌باشد وضعیت (سطح زیربنا) مسکن و هم‌چنین نحوه مالکیت محل سکونت می‌باشد.

۳-۲- مروری بر مطالعات قبلی

به دلیل اهمیت فقر و ریشه‌کنی آن، در بسیاری از کشورها از جمله ایران مطالعات متعددی در این زمینه صورت گرفته است که در ادامه برخی از آنان به طور اجمال مرور می‌شوند.

^۱. Mok (2007)

گدا و همکاران^۱ (۲۰۰۵) با استفاده از مدل لاجیت به بررسی عوامل مؤثر بر فقر خانوار شهری و روستایی کنیا در سال ۱۹۹۴ پرداختند. نتایج برآوردها نشان داد که فقر در مناطق روستایی به خصوص در بخش کشاورزی تمرکز دارد. فقدان تحصیلات بر احتمال فقر خانوار تأثیر زیادی دارد. همچنین وضعیت فقر با اندازه خانوار و اشتغال در بخش کشاورزی همبستگی دارد. از دیگر نتایج مهم این مطالعه آن بود که خانوارهای با سرپرست زن فقیرترند و هم‌چنین آموزش زنان نقش مهمی در کاهش فقر دارد.

مک و همکاران (۲۰۰۷) تعیین‌کننده‌های فقر در نقاط شهری مالزی را با استفاده از داده‌های هزینه خانوار در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ و خط فقر رسمی مطالعه کردند. متغیرهای مورد نظر سن، توان دوم سن، جنسیت و سطح تحصیلات سرپرست خانوار، منطقه سکونت، اندازه خانوار، نژاد و سرمایه انسانی خانوار بوده است. نتایج برآورد مدل با الگوهای رگرسیونی لاجیت نشان داد که سرمایه انسانی، اندازه خانوار، نژاد و منطقه سکونت از بقیه عوامل در توضیح فقر خانوار مهم‌تر هستند.

آچیا و همکاران^۲ (۲۰۱۰) با استفاده از مدل لاجیت به بررسی عوامل مؤثر بر فقر ۴۰۰ خانوار شهری و روستایی کنیا در سال ۲۰۰۳ پرداختند. نتایج نشان داد آموزش، سن سرپرست خانوار، بعد خانوار و تعداد احشام و روستایی یا شهری بودن خانوار بر احتمال خروج خانوارها از فقر مؤثر است.

مجید و مالک^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی به تعیین‌کننده‌های فقر در پاکستان برای دوره زمانی (۲۰۰۱-۲۰۰۰) پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که افزایش سطح آموزش، فقر را کاهش می‌دهد. نتیجه دیگر این که احتمال فقر در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی بیشتر است. هم‌چنین متغیرهای مجذور سن، تجربه و وضعیت اشتغال کشاورزی با فقر رابطه معکوس و متغیرهای بعد خانوار، سن سرپرست، جنسیت سرپرست و محل اقامت رابطه مثبت با فقر دارند.

رودریگز^۴ (۲۰۱۵) با استفاده از رگرسیون لجستیک، عوامل مؤثر بر فقر ایالت‌های هم‌مرز با امریکا، در مکزیک را برای سال ۲۰۰۸ بررسی کرده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که بعد

1. Geda (2005)

2. Achia (2010)

3. Majeed and Malik (2014)

4. Rodriguez (2015)

خانوار باعث افزایش فقر، سن سرپرست و سطح آموزش سرپرست باعث کاهش فقر می‌شود. نوع منطقه اثری معنادار بر فقر ندارد.

بیاسه و زوانه^۱ (۲۰۱۷) عوامل تعیین‌کننده فقر و رفاه خانوار آفریقای جنوبی را با روش اثرات ثابت و تصادفی پروبیت بررسی نمودند. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن بود که سطح آموزش، محل سکونت و نژاد سرپرست خانوار، وضعیت اشتغال و زناشویی سرپرست خانوار، نسبت وابستگی و جنسیت سرپرست خانوار از عوامل مؤثر بر رفاه خانوار هستند.

در چارچوب فرآیند تصمیم‌گیری جمعی خانوار، کشاورز حداد (۲۰۱۷)، یک مدل تجربی با داده‌های سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ برای کار کودک در ایران ارائه کرد. این که نیروی کار کودکان ناشی از فقر خانوار و قدرت چانه‌زنی والدین در مقابل یکدیگر است. او با روش برآورد چندجمله‌ای درمی‌یابد که فقر خانوار تنها دلیل کار کودک نیست بلکه با فرض ثبات عواملی چون فرزند نخست بودن، بازار کار محلی و جنسیت، قدرت چانه‌زنی مادر عامل تعیین‌کننده برای کار کودک و حضور او در مدرسه است. با این حال اثر نهایی با جنسیت و مناطق جغرافیایی متفاوت می‌شود.

نجفی و شوشریان (۱۳۸۶) با بهره‌گیری از مدل پروبیت، تعیین‌کننده‌های فقر را در خانوارهای روستایی و شهری ایران برای سال ۱۳۸۲ برآورد کرده‌اند. بر اساس نتایج برآورد الگو بعد خانوار، تعداد محصلان، نحوه تصرف خانه و جنسیت سرپرست تأثیری معنادار بر احتمال فقر داشته است.

علمی و علی‌تبار (۱۳۹۱) با استفاده از مدل لاجیت به بررسی عوامل مؤثر بر فقر در مناطق شهری ایران در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ پرداختند. طبق نتایج به دست آمده، بعد خانوار، زن سرپرست بودن، سکونت در شرق و غرب و شمال کشور باعث افزایش فقر و سال‌های آموزش، مالک بودن و سکونت در جنوب کشور باعث کاهش فقر می‌شود.

ابراهیم پور و علمی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تعیین‌کننده‌های فقر خانوارهای شهری ایران در سال ۱۳۸۸ را با نمونه‌ای شامل ۱۸۶۶۵ خانوار بررسی نمودند. از نتایج بدست آمده این که بعد خانوار و وضعیت شغلی سرپرست اثر مثبت بر احتمال فقر دارد. سن، سال‌های تحصیل سرپرست، مرد بودن سرپرست، نسبت تعداد افراد شاغل و نسبت تعداد افراد دارای درآمد از عوامل مؤثر بر خروج از چرخه فقر قلمداد شدند.

گریوانی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای روستایی برای سال ۱۳۹۲ در خراسان شمالی پرداختند و با استفاده از مدل توییت نتیجه‌گیری کردند که جنسیت، سن سرپرست

^۱ Biyase and Zwane (2017)

خانوار و بار تکفل اثری مستقیم بر فقر و مخارج آموزشی و بهداشتی و کشاورزی یا غیر کشاورزی بودن خانوار اثر معکوس بر فقر دارد.

حکمتی فرید (۱۳۹۳) در یک مطالعه تطبیقی، عوامل موثر بر فقر خانوارهای دارای سرپرست شاغل و غیر شاغل شهری ایران را بررسی نمود. بر اساس نتایج، بیش‌ترین کاهش احتمال فقر خانوارهای شهری دارای سرپرست غیر شاغل مربوط به نسبت تعداد شاغلان در خانوار و برای خانوارهای شهری دارای سرپرست شاغل مربوط به تحصیلات سرپرست خانوار می‌باشد. هم‌چنین بعد خانوار، سن، جنسیت و وضعیت تاهل سرپرست خانوار نیز در تغییر احتمال فقر خانوارهای شهری موثر می‌باشد.

سالاری (۱۳۹۵) به بررسی مقایسه‌ای فقر در هشت استان شرقی کشور شامل خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، گلستان، سمنان، یزد، کرمان و سیستان و بلوچستان طی دوره‌ی (۱۳۹۳-۱۳۸۳) پرداخت. در روش محاسبه خط فقر بر پایه معکوس ضریب انگل، در دوره مورد بررسی استان خراسان جنوبی بیشترین افزایش خط فقر را داشته است در حالی که استان‌های خراسان رضوی و یزد در رتبه‌های بعدی قرار داشتند.

۳- روش شناسی تحقیق

هدف اصلی این مطالعه، بررسی تعیین‌کننده‌های ساختاری فقر مرتبط با ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی خانوار است. یک راه عملی شناسایی نقشه فقر فرموله کردن یک رابطه تبعی بین وضعیت فقر و برخی از ویژگی‌های خانوار است. در واقع برای مشخص نمودن فقرا، از یک مدل احتمال استفاده می‌شود که شانس قرار گرفتن خانوارها در زیر خط فقر را به ویژگی‌های آنان مانند سن و جنس سرپرست خانوار، وضعیت سواد سرپرست خانوار، و میزان دارایی‌های خانوار مرتبط می‌کند. با توجه به این که در این مطالعه، متغیر وابسته، یک متغیر دوحالتی است، لذا از مدل‌های انتخاب دوتایی (لاجیت یا پروبیت) استفاده می‌شود (وربیک^۱، ۲۰۰۴).

از آن‌جا که تمرکز اصلی، تعیین مشخصه‌هایی از فقر است که با ویژگی‌های خانوار در ارتباط هستند؛ بر همین اساس، مدل باید به خوبی ارتباط بین وضعیت مورد نظر (فقیر بودن) و ویژگی‌های خانوار را تبیین کند. برای مشخص کردن ارتباط بین وضعیت فقر و ویژگی‌های خانوار، ابتدا باید

1. Verbeek (2004)

خانوارهای فقیر شناسایی شوند. بدین منظور از خط فقر (Z) استفاده می‌شود. یکی از نکاتی که باید در محاسبه خط فقر و به طبع آن در تعیین فقرا در نظر گرفت، موقعیت جغرافیایی است (قزوانی و گواید،^۱ ۲۰۰۱). اهمیت این موضوع به تفاوت‌های جغرافیایی در قیمت مربوط می‌شود که نتیجه‌ی بازار ناقص، هزینه‌های حمل و نقل و هزینه‌های تجاری است. در واقع با خوشه‌بندی خانوارها، خانوارهایی که در داخل یک خوشه هستند با قیمت‌های تقریباً یکسانی رو به رو خواهند بود. بر همین اساس در این مطالعه استان‌های کشور به عنوان خوشه‌ها در نظر گرفته شده است. قابل ذکر است معیار فقیر بودن یا فقیر نبودن خانوار، خط فقر محاسباتی است که با استفاده از آن، خانوارها به دو گروه تقسیم می‌شوند. در این مطالعه، برای معین نمودن آستانه فقر یا خط فقر، از هزینه خانوار و روش ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوار استفاده شده است. این خط در سطح هر استان به تفکیک شهر و روستا محاسبه شد. بنابراین، مدل مورد استفاده برای خانوار h در خوشه c به صورت رابطه (۱) است:

$$y_{ch}^* = \mu_c + X'_{ch}\beta + \varepsilon_{ch} \quad c=1, 2, \dots, C; h=1, 2, \dots, H_c \quad (1)$$

y_{ch}^* متغیر مشاهده شده پنهانی^۲، X بردار ویژگی‌های خانوار مانند جنسیت سرپرست خانوار، میزان دارایی‌های خانوار، ویژگی‌های فردی مانند سن، سواد و ویژگی‌های منطقه‌ای مانند محل سکونت است. β بردار پارامترهای مورد برآورد و ε_{ch} جزء خطاست. جزء μ_c نشان‌دهنده اثرات ثابت یا تصادفی هر خوشه و H_c تعداد خانوار در خوشه C است. به این ترتیب، متغیر دو حالتی فقیر بودن یا نبودن خانوار به صورت رابطه (۲) تعریف می‌شود (قزوانی و گواید، ۲۰۰۱):

$$y_{ch} = \begin{cases} 1 & \text{if } y_{ch}^* = (Z - X_{ch}) > 0 \\ 0 & \text{if } y_{ch}^* < 0 \end{cases} \quad c=1, 2, \dots, C; h=1, 2, \dots, H_c \quad (2)$$

X_{ch} هزینه خانوار است. این رویکرد نشان می‌دهد که X_{ch} مشاهده نمی‌شود، مگر آن که Y و بردار ویژگی‌های X مشاهده شوند (راوالیون^۳، ۱۹۹۶). احتمال این که یک خانوار فقیر باشد در رابطه (۳) نشان داده شده است:

$$p(y_{ch} = 1) = p(y_{ch}^* > 0) = F(\mu_c + X'_{ch}\beta) \quad (3)$$

1. Ghazouani & Goaid (2001)

2. Observed Latent Variable

3. Ravalion (1996)

$F(\cdot)$ تابع تجمعی اجزاء خطا است. در مدل‌های انتخاب گسسته پانلی^۱، اگر جزء خطا توزیع نرمال یا لجستیکی داشته باشد به ترتیب از مدل پروبیت یا لاجیت داده‌های پانلی استفاده می‌شود. در مدل‌های داده‌های تابلویی دو نوع تصریح اثرات ثابت و اثرات تصادفی کاربرد دارد. در سطح عملی، در مدل‌های غیر خطی، تصریح با اثرات ثابت با دو کمبود همراه است. اول این‌که اثر متغیرهای ثابت در خوشه (مانند منطقه، ماه پیمایش و ...) مشخص نیست. دومین کمبود، امکان از دست دادن اطلاعات در برآورد پارامترهای β است که می‌تواند نتیجه عدم تغییر متغیر y (0 or 1) در میان یک خوشه باشد^۲. بنابراین، باید با μ_c به عنوان متغیر تصادفی برخورد شود. به عبارت دیگر، در توابع غیر خطی با داده‌های تابلویی روش برآورد اثرات تصادفی کارا تر از اثرات ثابت است (قزوانی و گواید، ۲۰۰۱). قابل ذکر است که برآوردهای مدل لاجیت و پروبیت بسیار به هم نزدیک و در برخی مواقع با هم برابر است (وربیک، ۲۰۰۴). در اینجا برای ساده‌سازی بحث، تصریح پروبیت مورد توجه قرار گرفته است. در این رویکرد، احتمال این‌که یک خانوار فقیر باشد به شکل رابطه (۴) نشان داده می‌شود:

$$p(y_{ch} = 1/\mu_c) = \phi \left(\frac{X'_{ch}\beta}{\sigma_\varepsilon} + \frac{\mu_c}{\sigma_\mu} \left(\frac{\rho}{1-\rho} \right)^{1/2} \right) \quad (۴)$$

$\phi(\cdot)$ تابع تجمعی توزیع استاندارد نرمال و ρ ضریب همبستگی بین جملات پسماند دو خانوار از یک خوشه است. اگر $\rho < 1$ باشد آن‌گاه، $\rho = \frac{\sigma_\mu^2}{\sigma_\mu^2 + \sigma_\varepsilon^2}$ است. زمانی که $\rho = 0$ باشد، آن‌گاه یک پروبیت ساده یا عدم وجود اثر تصریح انفرادی برای خوشه‌ها را نشان می‌دهد. توابع لاجیت و یا پروبیت با داده‌های تابلویی به دلیل غیر خطی بودن با روش حداکثر راستنمایی برآورد می‌شوند. با فرض استقلال خوشه‌ها از هم، تابع درستنمایی برای کل نمونه به صورت (۵) نشان داده می‌شود:

$$L = \prod_{c=1}^C \int_{-\infty}^{+\infty} \prod_{h=1}^{H_c} \phi \left(\left(\frac{X'_{ch}\beta}{\sigma_\varepsilon} + \frac{\mu_c}{\sigma_\mu} \left(\frac{\rho}{1-\rho} \right)^{1/2} \right) (2y_{ch} - 1) \right) \phi \left(\frac{\mu_c}{\sigma_\mu} \right) d \left(\frac{\mu_c}{\sigma_\mu} \right) \quad (۵)$$

^۱. Discrete Choice Models

^۲. با دانستن اینکه خانوارهای هر خوشه از نظر جغرافیایی نزدیک هستند، امکان دارد برای خوشه‌های مشخصی ارزش متغیر دوتایی برای همه خانوارهای یک خوشه برابر صفر شود. در نتیجه این خوشه‌ها در تخمین حذف خواهند شد. از دست دادن اطلاعات خوشه‌ها منجر به استفاده از روش اثرات تصادفی می‌شود.

$\phi(\cdot)$ تابع چگالی توزیع استاندارد نرمال است. تخمین این تابع به‌طور کلی مشکل است. به همین دلیل بالتر و موفیت^۱ (۱۹۸۲) یک فرآیند کارا و همگرا برای تخمین پارامترهای β ارائه دادند، که بر اساس آن تابع درستنمایی به صورت زیر تقریب زده می‌شود:

$$L \approx \prod_{c=1}^C \frac{1}{\sqrt{\pi}} \left(\sum_{j=1}^J \omega_j \prod_{h=1}^{H_c} \phi \left(\left(\frac{X'_{ch}\beta}{\sigma_\varepsilon} + \frac{\mu_c^j}{\sigma_\mu^j} \left(\frac{\rho}{2(1-\rho)} \right)^{1/2} \right) (2y_{ch} - 1) \right) \right) \quad (۶)$$

آزمون نسبت درستنمایی نشان دهنده مقایسه میان دو نوع تصریح با اثرات تصادفی ($\rho < 1$) و حالت ساده ($\rho = 0$) است. آماره این آزمون در رابطه (۷) آمده است:

$$LR = 2(\log L_{NC} - \log L_c) \rightarrow \chi^2_{(1)} \quad (۷)$$

L_{NC} نشان دهنده نسبت درستنمایی مدل اثرات تصادفی و L_c نشان دهنده نسبت درستنمایی مدل مقید (مدل ساده لاجیت یا پروبیت) است. رد فرضیه H_0 به مفهوم پذیرش مدل اثرات تصادفی است.

آزمون دیگر تصریح توسط آماره والد^۲ انجام می‌گیرد. در این آزمون، همه پارامترها به جز عرض از مبدأ در فرضیه H_0 برابر صفر هستند. آماره این آزمون به شکل زیر است:

$$W = \hat{\beta}' \left(\hat{V}(\hat{\beta}) \right)^{-1} \hat{\beta} \rightarrow \chi^2_{(k-1)} \quad (۸)$$

$\hat{V}(\hat{\beta})$ ماتریس واریانس کواریانس بردار برآوردی $\hat{\beta}$ است. رد فرضیه H_0 به مفهوم معنی‌داری کل رگرسیون است (قزوانی و گواید، ۲۰۰۱).

۴- محاسبه خط فقر

در این تحقیق برای محاسبه خط فقر از روش ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوار و ریزداده‌های طرح هزینه-درآمد مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۲ استفاده شده است. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۹۴۳۰ خانوار روستایی و ۱۸۸۷۳ خانوار شهری است. طبق جدول (۱)، خط فقر محاسبه شده در مناطق شهری بالاتر از خط فقر مناطق روستایی است که با نتایج مطالعات قبلی صورت گرفته از

^۱. Bulter and Moffitt (1982)

^۲. Wald Statistic

جمله، خالدی و پرمه (۱۳۸۴) و پیرائی و شهسوار (۱۳۸۸) مطابقت دارد. بر اساس خط فقر محاسبه شده یک خانوار چهار نفره در منطقه شهری باید ماهانه حداقل ۹۵۲۹۰۱ تومان هزینه کند تا در زمره فقرا قرار نگیرد. این عدد برای خانوار چهار نفره روستایی ۶۲۷۷۵۳ تومان است.

جدول ۱: خط فقر محاسباتی بر پایه روش ۵۰٪ میانگین هزینه سرانه خانوار^۱ در سال ۱۳۹۲

منطقه	میزان خط فقر محاسباتی (ریال، ماهانه و سرانه)
شهری	۲۳۸۲۲۵۳
روستایی	۱۵۶۹۳۸۴

منبع: محاسبات این پژوهش با بررسی ۱۹۴۳۰ خانوار روستایی و ۱۸۸۷۳ خانوار شهری

طبق خط فقر محاسبه شده، در نمونه مورد بررسی، در سال ۱۳۹۲ حدود ۱۸/۲ درصد از خانوارها در مناطق روستایی و ۲۰/۰۸ درصد از خانوارهای شهری فقیر محسوب می‌شوند. همان‌گونه که اشاره شد، تفاوت‌های جغرافیایی در میزان خط فقر مؤثر هستند. از این رو، ۶۲ خط فقر برای استان‌های کشور به تفکیک شهری و روستایی محاسبه و در جداول (۲) و (۳) ارائه گردید.

۱. پژوهشی توسط خلیل حیدری و همکاران در گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار انجام گرفته است که بر اساس آن خط فقر سرانه روستایی به صورت ماهانه ۱۶۶ هزار تومان و خط فقر سرانه شهری به صورت ماهانه ۲۵۲ هزار تومان برآورد شده است. از آن‌جا که اعداد به دست آمده بر اساس روش ۵۰ درصد میانگین هزینه خانوار به اعداد به دست آمده مطالعه مذکور قرابت بیشتری دارد، لذا در این مطالعه از روش ۵۰ درصد میانگین هزینه خانوار استفاده شده است.

جدول ۲: خط فقر مناطق شهری بر پایه روش ۵۰٪ میانگین هزینه سرانه خانوار به تفکیک استان در سال ۱۳۹۲ (ریال، ماهانه و سرانه)

استان	خط فقر	درصد فقرا	استان	خط فقر	درصد فقرا
مرکزی	۲۳۸۸۴۵۰	۱۹/۴	ایلام	۲۰۵۴۱۷۰	۱۷/۱
گیلان	۲۸۵۹۷۶۷	۱۹/۷	کهگیلویه و بویراحمد	۲۲۲۴۶۴۸	۱۱/۱
مازندران	۲۸۱۲۲۱۰	۱۶/۳	بوشهر	۱۸۸۸۲۱۹	۱۵/۴
آذربایجان شرقی	۲۵۱۹۹۲۶	۱۷/۸	زنجان	۲۲۶۵۸۲۰	۱۰/۷
آذربایجان غربی	۲۴۸۰۲۸۱	۲۰/۷	سمنان	۲۱۳۱۵۰۷	۱۷
کرمانشاه	۲۵۰۲۶۷۴	۱۷/۶	یزد	۱۹۷۵۶۹۶	۱۴
خوزستان	۲۵۰۰۰۳۹	۲۰/۲	هرمزگان	۲۲۴۴۱۷۷	۱۵/۹
فارس	۲۴۲۷۲۴۶	۱۹/۳	تهران	۳۷۸۰۵۹۵	۲۷/۷
کرمان	۱۸۳۲۹۳۴	۱۶/۲	اردبیل	۲۲۸۰۶۰۳	۱۷/۴
خراسان رضوی	۲۵۶۰۷۰۷	۲۰	قم	۱۵۸۰۵۳۷	۱۷/۵
اصفهان	۳۰۶۱۲۲۰	۲۳/۱	قزوین	۲۵۰۵۹۷۸	۱۲/۷
سیستان و بلوچستان	۱۳۸۰۶۲۱	۲۵/۹	گلستان	۱۸۱۵۷۶۲	۲۲/۸
کردستان	۲۰۱۵۶۴۱	۱۳/۴	خراسان شمالی	۲۱۳۶۰۷۷	۲۱
همدان	۱۶۹۶۹۹۶	۱۴/۵	خراسان جنوبی	۲۵۰۱۴۴۹	۱۰/۳
چهارمحال و بختیاری	۲۶۹۶۵۳۸	۱۴/۹	البرز	۲۶۴۷۳۴۶	۱۲/۹
لرستان	۱۹۸۸۴۸۶	۱۷/۷			

منبع: محاسبات این پژوهش با بررسی ۱۸۸۷۳ خانوار شهری

طبق جدول (۲) بالاترین خط فقر در مناطق شهری مربوط به استان تهران است و پس از آن استان‌های اصفهان و گیلان به ترتیب دوم و سوم هستند. پایین‌ترین خط فقر مربوط به استان سیستان و بلوچستان است. از لحاظ درصد افراد فقیر نیز استان تهران با ۲۷/۷ درصد بیش‌ترین درصد افراد فقیر و استان خراسان جنوبی با ۱۰/۳ درصد کم‌ترین درصد افراد فقیر را دارد. نکته قابل توجه این که استان سیستان و بلوچستان در حالی رتبه دوم درصد افراد فقیر را دارا است که پایین‌ترین خط فقر را دارد.

جدول ۳: خط فقر مناطق روستایی بر پایه روش ۵۰٪ میانگین هزینه سرانه خانوار به تفکیک استان در سال ۱۳۹۲
(ریال، ماهانه و سرانه)

استان	خط فقر	درصد فقرا	استان	خط فقر	درصد فقرا
مرکزی	۱۷۵۶۹۸۶	۲۲/۹	ایلام	۱۴۴۶۴۹۲	۱۲/۵
گیلان	۱۷۷۹۵۱۱	۱۶/۴	کهگیلویه و بویراحمد	۱۴۹۵۸۸۷	۸/۴
مازندران	۲۱۴۰۴۲۲	۱۸/۲	بوشهر	۱۳۸۶۹۵۳	۱۲/۵
آذربایجان شرقی	۱۸۴۰۰۴۱	۱۶/۸	زنجان	۱۶۶۷۴۸۵	۱۱/۵
آذربایجان غربی	۱۷۰۰۶۹۷	۱۶/۳	سمنان	۱۷۳۲۱۸۷	۱۹/۴
کرمانشاه	۱۶۷۱۴۲۴	۱۷/۴	یزد	۱۸۶۰۱۵۲	۲۱/۶
خوزستان	۱۵۶۷۱۴۵	۱۰	هرمزگان	۱۳۶۱۹۶۵	۱۲/۸
فارس	۱۵۲۱۹۵۶	۱۸	تهران	۱۷۷۴۰۱۵	۱۵/۲
کرمان	۱۳۳۹۲۸۸	۱۷/۲	اردبیل	۱۸۱۴۴۷۰	۱۷/۵
خراسان رضوی	۱۴۹۱۱۴۴	۱۷	قم	۱۲۶۷۴۲۷	۲۰
اصفهان	۲۰۶۴۲۰۵	۲۳/۷	قزوین	۱۹۱۷۵۶۱	۱۵/۹
سیستان و بلوچستان	۸۴۲۲۱۴	۱۶/۶	گلستان	۱۲۲۰۰۴۲	۱۹/۵
کردستان	۱۲۹۲۶۱۰	۱۴/۳	خراسان شمالی	۱۴۵۶۴۸۱	۲۱/۸
همدان	۱۱۳۱۸۸۷	۱۵/۳	خراسان جنوبی	۱۶۹۳۱۵۵	۴/۴
چهارمحال و بختیاری	۱۶۶۱۰۹۵	۸/۴	البرز	۱۶۴۵۱۴۲	۴/۶
لرستان	۱۱۴۹۷۹۹	۱۰/۶			

منبع: محاسبات این پژوهش با بررسی ۱۹۴۳۰ خانوار روستایی

طبق جدول (۳)، بالاترین خط فقر در مناطق روستایی مربوط به استان مازندران و پایین‌ترین آن مربوط به استان سیستان و بلوچستان است. از لحاظ درصد افراد فقیر، استان اصفهان با ۲۳/۷ درصد بیش‌ترین درصد و استان خراسان جنوبی با ۴/۴ درصد کم‌ترین درصد افراد فقیر را دارد. بدین ترتیب استان خراسان جنوبی هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی کم‌ترین درصد افراد فقیر را در بین استان‌های کشور دارد^۱. نکته درخور توجه این‌که، در تمام استان‌ها، خط فقر شهری از خط فقر روستایی بالاتر است.

^۱ ضمن سپاس از نقطه نظر داور محترم، در این مطالعه برای هر استان در سطح شهر و روستا خط فقر جداگانه‌ای محاسبه کردیم و افراد درون هر استان را با خط فقر استان خودشان مقایسه نمودیم. نتیجه به دست آمده نشان از واریانس ناهمسانی بین استانی دارد. علاوه بر این، هرچه درآمد در استان بیشتر، واریانس بیشتر است. یعنی، در استان‌های برخوردار، توزیع درون استانی ناعادلانه‌تر است.

۵- بررسی ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی خانوارهای فقیر

قبل از برآورد مدل، ابتدا با استفاده از ۶۲ خط فقر محاسباتی برای مناطق شهری و روستایی ۳۱ استان کشور، خانوارهای فقیر از غیر فقیر تفکیک شدند. سپس، مدل لاجیت داده‌های شبه تابلویی با اثرات تصادفی (مدل ۱) به روش حداکثر درستنمایی برآورد گردید. قبل از ارائه نتایج، برای شناسایی هرچه بیشتر خانوارهای فقیر، برخی از ویژگی‌های آنان واکاوی می‌شود.

الف - ترکیب جنسیتی سرپرستان خانوار فقیر

در ترکیب جنسیتی خانوارهای فقیر، در همه استان‌ها ملاحظه شد که خانوار فقیر دارای سرپرست مرد بیش خانوار فقیر زن سرپرست است. به طور مثال، در مناطق شهری استان مرکزی، ۸۵ درصد خانوار فقیر دارای سرپرست مرد و مابقی زن سرپرست بودند. این ارقام برای منطقه روستایی این استان به ترتیب ۸۳ و ۱۷ درصد بوده است. هم‌چنین، بیشترین درصد خانوار زن سرپرست فقیر در منطقه شهری مربوط به استان خراسان شمالی و کمترین آن مربوط به استان‌های البرز و کهگیلویه و بویراحمد است. در منطقه روستایی بیشترین درصد خانوار زن سرپرست فقیر مربوط به استان قم و کمترین آن مربوط به استان‌های البرز و چهار محال و بختیاری است. البته با توجه به این که در نمونه درصد سرپرستان مرد بیشتر بوده، طبیعی است که در خانوارهای فقیر نیز درصد سرپرستان مرد بیشتر بوده باشد. از این رو در جدول (۴) نشان داده شد که چند درصد از زنان سرپرست خانوار از کل خانوار زن سرپرست و چند درصد از مردان سرپرست خانوار از کل خانوار مرد سرپرست در کل و در استان‌ها فقیر بوده‌اند تا تصویر روشن‌تری از فقرا به دست آید.

بر اساس محاسبات مندرج در جدول (۴)، از کل خانوارهای فقیر - شهر و روستا با هم در نظر گرفته شد - ۸۷/۳ درصد دارای سرپرست مرد و مابقی زن سرپرست بوده‌اند. هم‌چنین، ۱۶/۷ درصد از خانوار مرد سرپرست فقیر محسوب شدند در حالی که تعداد خانوار زن سرپرست فقیر از کل خانوار زن سرپرست، ۱۲/۷ درصد بوده است. استان‌های تهران، اصفهان و سیستان و بلوچستان بیشترین درصد خانوار فقیر مرد سرپرست را دارا بوده‌اند در حالی که استان‌های خراسان شمالی، اصفهان و خراسان رضوی بیشترین درصد زنان فقیر سرپرست خانوار را در خود جای داده‌اند.

جدول ۴: ترکیب جنسیتی سرپرستان کلیه خانوارها و خانوارهای فقیر در استان‌ها در سال ۱۳۹۲

استان	مرد سرپرست		زن سرپرست	
	درصد خانوار فقیر مرد سرپرست از کل خانوارهای فقیر	درصد خانوارهای فقیر در بین خانوارهای مرد سرپرست	درصد خانوار فقیر زن سرپرست از کل خانوارهای فقیر	درصد خانوارهای فقیر در بین خانوارهای زن سرپرست
مرکزی	۸۳/۹	۲۱/۲	۱۶/۱	۲۲/۸
گیلان	۸۱/۸	۱۷/۴	۱۸/۲	۲۱
مازندران	۸۵/۷	۱۶/۵	۱۴/۴	۲۵/۵
آذربایجان شرقی	۸۹/۱	۱۷	۱۰/۹	۲۰
آذربایجان غربی	۹۱/۱	۱۸/۲	۸/۹	۲۰
کرمانشاه	۸۵/۵	۱۷/۲	۱۴/۵	۱۹/۳
خوزستان	۹۰/۵	۱۴/۸	۹/۵	۱۵/۸
فارس	۸۴/۵	۱۸/۱	۱۵/۵	۲۱/۹
کرمان	۸۴/۹	۱۶/۶	۱۵/۱	۱۷/۴
خراسان رضوی	۸۵/۵	۱۸/۲	۱۴/۵	۱۹/۶
اصفهان	۸۰/۲	۲۲/۷	۱۹/۸	۲۶/۷
سیستان و بلوچستان	۸۷	۲۱/۴	۱۳	۱۹/۲
کردستان	۹۲/۱	۱۴/۴	۷/۹	۱۱/۸
همدان	۸۶/۶	۱۴/۶	۱۳/۴	۱۷/۳
چهارمحال و بختیاری	۹۴	۱۲/۲	۶	۱۶/۷
لرستان	۸۶/۵	۱۳/۷	۱۳/۵	۱۴/۴
ایلام	۸۸/۷	۱۴/۶	۱۱/۳	۱۵/۸
کهگیلویه و بویراحمد	۹۷/۳	۱۰/۳	۲/۷	۳/۳
بوشهر	۹۴/۳	۱۴/۵	۵/۷	۹/۲
زنجان	۸۲/۴	۱۰/۴	۱۱/۶	۱۶/۲
سمنان	۸۶/۵	۱۸/۴	۱۳/۵	۱۷/۱
یزد	۸۷/۹	۱۷/۷	۱۲/۱	۱۹/۷
هرمزگان	۸۹/۴	۱۴/۲	۱۰/۶	۱۲/۸
تهران	۹۴/۴	۲۵/۸	۵/۶	۱۴/۱
اردبیل	۸۷/۴	۱۷/۵	۱۲/۶	۱۷/۴
قم	۸۳/۴	۱۸/۲	۱۶/۶	۲۱/۸
قزوین	۸۷/۲	۱۴/۶	۱۲/۸	۱۴/۳
گلستان	۸۵/۳	۲۰/۶	۱۴/۷	۲۳/۷
خراسان شمالی	۷۹/۹	۲۰/۳	۲۰/۱	۲۷/۵
خراسان جنوبی	۹۱/۵	۷/۶	۸/۵	۴/۲
البرز	۹۸/۸	۹/۴	۱۱/۲	۱/۱
کل کشور	۸۷/۳	۱۶/۷	۱۲/۷	۱۷/۷

ب- بررسی گروه‌های سنی سرپرستان خانوارهای فقیر

جدول (۵) درصد سرپرستان خانوارهای فقیر شهری و روستایی استان‌ها بر حسب گروه‌های سنی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: درصد سرپرستان خانوارهای فقیر استان‌ها بر حسب گروه‌های سنی در سال ۱۳۹۲

استان	گروه سنی					روستایی					شهری				
	<۲۵	۲۵-۳۴	۳۵-۴۴	۴۵-۵۴	>۵۵	<۲۵	۲۵-۳۴	۳۵-۴۴	۴۵-۵۴	>۵۵	<۲۵	۲۵-۳۴	۳۵-۴۴	۴۵-۵۴	>۵۵
مرکزی	۱/۵	۲۰/۱	۲۰/۱	۸/۹	۴۸/۵	۳/۴	۸/۱۹	۱/۲۴	۴/۱۶	۳۶/۳	۱/۹	۱۴/۸	۲۹/۶	۲۵/۹	۲۷/۸
گیلان	۱/۸	۱۵/۵	۲۲/۷	۱۹/۱	۴۰/۹	۲/۱	۲۷/۴	۱۷/۹	۲۹/۷	۲۹/۷	۲/۱	۲۱/۵	۲۳/۸	۲۳/۸	۲۹/۷
مازندران	۳/۶	۱۸/۸	۲۹/۵	۱۰/۷	۳۷/۴	۲/۱	۲۱/۵	۳۱/۸	۱۶/۸	۲۸	۱/۹	۲۱/۵	۲۱/۵	۳۱/۸	۱۶/۸
آذربایجان شرقی	۰/۰	۲۳/۹	۳۳/۶	۱۶/۸	۲۵/۷	۲/۱	۲۱/۵	۲۱/۵	۱۸/۶	۲۸	۲/۵	۲۱/۵	۲۱/۵	۱۸/۶	۲۸
آذربایجان غربی	۴/۷	۲۸	۱۹/۶	۱۷/۸	۲۹/۹	۲/۵	۲۱/۵	۲۱/۵	۱۸/۶	۲۸	۲/۵	۲۱/۵	۲۱/۵	۱۸/۶	۲۸
کرمانشاه	۲/۵	۱۷/۲	۴۱	۱۶/۴	۲۲/۹	۱/۴	۲۳/۵	۱۷/۳	۲۳/۵	۳۱/۶	۲/۵	۲۳/۵	۱۷/۳	۲۳/۵	۳۱/۶
خوزستان	۲/۹	۱۲/۹	۳۰	۳۱/۴	۲۲/۸	۲/۳	۲۶	۳۰/۵	۲۰/۶	۲۰/۶	۲/۳	۲۶	۳۰/۵	۲۰/۶	۲۰/۶
فارس	۰/۷	۲۰/۳	۲۲/۵	۲۰/۳	۳۶/۲	۲/۴	۱۹	۲۲/۲	۲۴/۶	۳۱/۸	۲/۴	۱۹	۲۲/۲	۲۴/۶	۳۱/۸
کرمان	۴/۴	۲۸/۱	۲۸/۱	۱۴/۹	۲۴/۵	۳/۱	۲۹/۶	۲۹/۶	۱۶/۳	۲۱/۴	۳/۱	۲۹/۶	۲۹/۶	۱۶/۳	۲۱/۴
خراسان رضوی	۲/۸	۲۱/۵	۲۷/۱	۹/۷	۳۸/۹	۰/۶	۳۵/۲	۲۵/۸	۱۵/۱	۲۳/۳	۰/۶	۳۵/۲	۲۵/۸	۱۵/۱	۲۳/۳
اصفهان	۰/۶	۱۸/۴	۲۱/۵	۹/۸	۴۹/۷	۴/۸	۲۵/۵	۲۳/۶	۲۰	۲۶/۱	۴/۸	۲۵/۵	۲۳/۶	۲۰	۲۶/۱
سیستان و بلوچستان	۰/۸	۳۳/۹	۲۲/۹	۱۹/۵	۲۲/۹	۵/۱	۳۴/۷	۲۷/۸	۱۲/۵	۱۹/۹	۵/۱	۳۴/۷	۲۷/۸	۱۲/۵	۱۹/۹
کردستان	۱/۴	۳۰	۱۴/۳	۳۴/۳	۱/۸	۲۴/۶	۲۴/۶	۳۱/۶	۱۷/۵	۲۴/۵	۱/۸	۲۴/۶	۲۴/۶	۳۱/۶	۱۷/۵
همدان	۳/۴	۲۳	۲۹/۹	۱۷/۲	۲۶/۵	۳/۳	۱۷/۴	۲۷/۲	۱۸/۵	۳۳/۶	۳/۳	۱۷/۴	۲۷/۲	۱۸/۵	۳۳/۶
چهارمحال و بختیاری	۰/۰	۲۳/۳	۵۳/۵	۱۱/۶	۱۱/۶	۲/۷	۳۲/۴	۲۵/۷	۱۲/۲	۲۷	۲/۷	۳۲/۴	۲۵/۷	۱۲/۲	۲۷
لرستان	۶/۱	۱۹/۴	۳۰/۶	۴/۱۹	۲۹/۰	۲/۱	۱۶/۳	۲۵/۶	۳۰/۲	۲۶/۷	۲/۱	۱۶/۳	۲۵/۶	۳۰/۲	۲۶/۷
ایلام	۰/۰	۶/۳	۳۴/۹	۱۴/۳	۴۴/۵	۰/۰	۱۱/۴	۲۵/۳	۲۲/۸	۴۰/۵	۰/۰	۱۱/۴	۲۵/۳	۲۲/۸	۴۰/۵
کهگیلویه و بویراحمد	۶	۱۰	۱۸	۲۶	۴۰	۳/۳	۱۶/۷	۳۳/۳	۱۶/۷	۳۰	۳/۳	۱۶/۷	۳۳/۳	۱۶/۷	۳۰
بوشهر	۰/۰	۷/۷	۱۶/۹	۲۰	۵۵/۴	۲/۲	۱۷/۴	۳۳/۷	۱۶/۳	۳۰/۴	۲/۲	۱۷/۴	۳۳/۷	۱۶/۳	۳۰/۴
زنجان	۷/۶	۲۶/۷	۲۱/۷	۱۳/۳	۳۱/۶	۴/۶	۱۳/۸	۴۰	۱۲/۳	۲۹/۳	۴/۶	۱۳/۸	۴۰	۱۲/۳	۲۹/۳
سمنان	۱/۴	۲۱/۶	۲۷/۸	۱۵/۵	۳۱	۷/۴	۲۱	۳۳/۳	۱۹/۸	۱۸/۵	۷/۴	۲۱	۳۳/۳	۱۹/۸	۱۸/۵
یزد	۱/۵	۱۹/۷	۱۵/۹	۱۷/۴	۴۵/۵	۴/۹	۲۱/۷	۲۲	۱۴/۶	۳۶/۸	۴/۹	۲۱/۷	۲۲	۱۴/۶	۳۶/۸
هرمزگان	۳/۸	۱۶	۳۲/۱	۱۳/۲	۳۴/۹	۳/۳	۱۷/۴	۲۶/۱	۲۷/۲	۲۶	۳/۳	۱۷/۴	۲۶/۱	۲۷/۲	۲۶
تهران	۱/۴	۲۴/۷	۳۹/۷	۲۶	۸/۲	۲/۱	۲۳/۶	۳۵/۴	۲۴/۱	۱۵/۷	۲/۱	۲۳/۶	۳۵/۴	۲۴/۱	۱۵/۷
اردبیل	۵/۷	۴۳/۷	۱۸/۴	۹/۲	۲۳	۴/۹	۲۲/۳	۲۹/۱	۲۰/۴	۲۳/۳	۴/۹	۲۲/۳	۲۹/۱	۲۰/۴	۲۳/۳
قم	۱	۱۲/۵	۲۰/۸	۱۷/۷	۴۸	۴/۱	۱۳/۴	۳۰/۹	۱۹/۶	۳۲	۴/۱	۱۳/۴	۳۰/۹	۱۹/۶	۳۲
قزوین	۴/۲	۲۹/۵	۲۴/۲	۱۲/۶	۲۹/۵	۰/۰	۱/۳۲	۴۲/۴	۱۵/۱	۱۰/۴	۰/۰	۱/۳۲	۴۲/۴	۱۵/۱	۱۰/۴
گلستان	۶/۷	۲۳	۲۳/۷	۱۷/۸	۲۸/۹	۴/۶	۲۲/۹	۳۰/۱	۱۵	۲۷/۴	۴/۶	۲۲/۹	۳۰/۱	۱۵	۲۷/۴
خراسان شمالی	۲	۲۴/۳	۲۵/۷	۱۳/۲	۳۴/۸	۴/۱	۲۵/۲	۲۳/۱	۱۲/۹	۳۴/۷	۴/۱	۲۵/۲	۲۳/۱	۱۲/۹	۳۴/۷
خراسان جنوبی	۳/۲	۲۵/۸	۳۲/۳	۲۲/۶	۱۶/۱	۰/۰	۲۸/۱	۳۷/۵	۱۰/۹	۲۳/۵	۰/۰	۲۸/۱	۳۷/۵	۱۰/۹	۲۳/۵
البرز	۴/۲	۲۰/۸	۵۴/۲	۱۶/۷	۴/۱	۱/۶	۳۵/۵	۳۳/۹	۱۶/۱	۱۲/۹	۱/۶	۳۵/۵	۳۳/۹	۱۶/۱	۱۲/۹

طبق جدول (۵) در مناطق روستایی اکثر استان‌ها، درصد سرپرستان بالای ۵۵ سال بیش از سایر گروه‌های سنی است. چون، با افزایش سن، به تدریج کارایی افراد کمتر شده و توان کسب درآمد کاهش می‌یابد. در مناطق شهری، سرپرستان خانوارهای فقیر به طور متوازن‌تری نسبت به مناطق روستایی در گروه‌های سنی مختلف قرار گرفته‌اند. هم‌چنین، به طور میانگین درصد سرپرستان خانوارهای فقیر شهری در تمامی گروه‌های سنی به جز گروه سنی بالای ۵۵ سال بیش از درصد سرپرستان خانوارهای فقیر روستایی بوده است.

پ- بررسی درصد سرپرستان بیکار خانوارهای فقیر در استان‌ها

جدول (۶) درصد سرپرستان بیکار خانوارهای فقیر را به تفکیک استان نشان می‌دهد. با توجه به جدول (۶)، استان‌های مرکزی، سیستان و بلوچستان و اصفهان بیش‌ترین درصد سرپرستان بیکار را در بین خانوارهای فقیر دارند در حالی که استان‌های البرز و خراسان جنوبی و چهار محال بختیاری کم‌ترین درصد سرپرستان بیکار را در بین خانوارهای فقیر دارند. قابل ذکر است، با توجه به جدول (۲) استان سیستان و بلوچستان از لحاظ درصد خانوارهای فقیر در مناطق شهری در بین استان‌ها در رده دوم قرار دارد. هم‌چنین بر اساس جدول (۳) استان‌های اصفهان و مرکزی به ترتیب بالاترین درصد خانوارهای فقیر را در مناطق روستایی دارند. بر همین اساس، توجه به وضعیت اشتغال مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان و وضعیت اشتغال مناطق روستایی استان‌های اصفهان و مرکزی از اهمیت زیادی برخوردار است.

جدول ۶: درصد سرپرستان بیکار خانوارهای فقیر استان‌ها در سال ۱۳۹۲

استان	درصد سرپرست بیکار	درصد مرد	درصد زن
مرکزی	۶/۳	۶۵/۵	۳۴/۵
گیلان	۴	۵۸/۷	۴۱/۳
مازندران	۲/۷	۵۴/۹	۴۵/۱
آذربایجان شرقی	۲/۱	۵۷/۵	۴۲/۵
آذربایجان غربی	۲/۶	۶۷/۳	۳۲/۷
کرمانشاه	۳/۲	۵۵	۴۵
خوزستان	۲/۲	۷۱/۴	۲۸/۶
فارس	۵/۴	۶۷/۶	۳۲/۴
کرمان	۲/۹	۵۲/۷	۴۷/۳
خراسان رضوی	۴/۳	۵۷/۵	۴۲/۵
اصفهان	۶/۱	۵۸/۸	۴۱/۲
سیستان و بلوچستان	۶/۱	۷۹/۸	۲۰/۲
کردستان	۲/۴	۸۲/۲	۱۷/۸
همدان	۳/۵	۶۳/۶	۳۶/۴
چهارمحال و بختیاری	۱/۲	۷۲/۷	۲۷/۳
لرستان	۲/۳	۶۱/۴	۳۸/۶
ایلام	۲/۹	۷۶/۴	۲۳/۶
کهگیلویه و بویراحمد	۱/۶	۹۳/۳	۶/۷
بوشهر	۳/۲	۸۸/۵	۱۱/۵
زنجان	۲/۱	۴۵	۵۵
سمنان	۲/۴	۶۲/۲	۳۷/۸
یزد	۳/۱	۷۲/۴	۲۷/۶
هرمزگان	۳/۴	۷۴/۶	۲۵/۴
تهران	۴/۵	۷۸/۸	۲۱/۲
اردبیل	۲/۷	۷۴	۲۶
قم	۴/۲	۶۵/۸	۳۴/۲
قزوین	۱/۶	۴۶/۷	۵۳/۳
گلستان	۴/۵	۶۲/۴	۳۷/۶
خراسان شمالی	۵/۲	۵۳/۱	۴۶/۹
خراسان جنوبی	۰/۸	۵۳/۳	۴۶/۷
البرز	۰/۳	۸۳/۳	۱۶/۷
مجموع	۱۰۰		

منبع: محاسبات این پژوهش با بررسی ۱۹۴۳۰ خانوار روستایی و ۱۸۸۷۳ خانوار شهری

۶- برآورد مدل و ارائه نتایج

با توجه به این که متغیر وابسته در رابطه (۱)، یک متغیر دو حالته (فقیر یا غیر فقیر بودن خانوار) است، لذا از مدل‌های انتخاب دوتایی (لاجیت یا پروبیت) استفاده می‌شود. در این مدل‌ها به دلیل غیر خطی بودن، روش برآورد با استفاده از تابع درستنمایی خواهد بود. بر همین اساس در این مطالعه مدل (۱) بر اساس روش لاجیت داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی به روش حداکثر درستنمایی برآورد خواهد شد. متغیرهای توضیحی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارها را شامل می‌شود که عبارت‌اند از:

ویژگی‌های جمعیتی خانوار:

- بعد خانوار که انتظار بر این است اثر مثبت بر احتمال فقر داشته باشد (مطالعه مک و همکاران، ۲۰۰۷).
- سن و مجذور سن سرپرست خانوار که به عنوان متغیر کنترل وارد مدل شد (مانند مطالعه رودریگز، ۲۰۱۵ و مطالعه مک و همکاران، ۲۰۰۷). انتظار بر این است که رابطه سن و احتمال خروج از فقر U وارونه باشد. زیرا در سال‌های جوانی و پیش از میانسالی انتظار کسب درآمد بیشتر می‌شود و با ورود به دوران کهنسالی دیگر افزایش درآمد مورد انتظار نیست.
- جنسیت سرپرست خانوار که به صورت متغیر مجازی مرد (۱)، زن (۰) در نظر گرفته شد.

ویژگی‌های اجتماعی خانوار:

- سال‌های تحصیلات سرپرست خانوار و تعداد افراد باسواد خانوار که به عنوان شاخصی از سرمایه انسانی به کار گرفته شده‌اند. بر اساس مبانی نظری (مینسر^۱، ۱۹۵۸ و ۱۹۷۴) و مطالعات تجربی انتظار می‌رود سرمایه انسانی بر درآمد تأثیر مثبت داشته باشد و از این رو، به خروج خانوار از دایره فقر کمک کند.
- منطقه جغرافیایی که به صورت متغیر مجازی شهر (۱)، و روستا (۰) در نظر گرفته شده است.

ویژگی‌های اقتصادی خانوار:

- وضع فعالیت که به صورت متغیر مجازی بدون درآمد (۱) در مقابل دارای درآمد (۰) وارد مدل شده است.

^۱. Mincer (1958 & 1974)

- تعداد افراد شاغل خانوار و تعداد افراد دارای درآمد خانوار
- سطح زیربنای محل سکونت که به عنوان شاخصی برای سرمایه فیزیکی به کار گرفته شده است (به عنوان نمونه به مطالعه گدا و همکاران (۲۰۰۵)، قزوینی و گواید (۲۰۰۱) و ازکیا و همکاران (۱۳۸۰) مراجعه شود).

جدول (۷) نتایج برآورد مدل لاجیت داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی به روش حداکثر درستنمایی در سال ۱۳۹۲ را نشان می‌دهد. با توجه به آماره والد W معناداری کل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌شود و بر اساس آماره LR استفاده از مدل لاجیت ساده رد و استفاده از مدل لاجیت داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود. کلیه متغیرها به جز تعداد افراد دارای درآمد از سطح اطمینان ۹۹ درصد برخوردار بودند. البته متغیر مذکور دارای سطح معنی داری ۵ درصد بود.

بر اساس نتایج، بعد خانوار اثر مثبت بر احتمال فقیر شدن خانوار دارد. اثر نهایی نشان‌دهنده این است که با افزایش بعد خانوار به اندازه یک نفر، احتمال فقیر شدن خانوار ۷ درصد افزایش می‌یابد. در عوض افزایش تعداد افراد دارای درآمد و افزایش تعداد افراد شاغل، به ترتیب موجب کاهش ۰/۵ درصد و ۳/۷ درصد احتمال قرارگیری خانوار در زمره فقرا می‌گردد. هم‌چنین، افزایش تعداد افراد با سواد در خانوار ۱/۱ درصد احتمال قرارگیری خانوار در زمره فقرا را کاهش می‌دهد.

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، ضرایب معنادار متغیر سن و مجذور سن و علائم حاصل، نشان‌دهنده تأثیر U شکل سن سرپرست خانوار بر فقر است (مانند مطالعه کاگلایان و همکاران^۱، ۲۰۱۲). یعنی در سال‌های جوانی و میان‌سالی احتمال خروج از فقر وجود دارد در حالی که با کهنولت سن و ورود به دوران پیری احتمال قرارگیری در دایره فقر افزایش می‌یابد. از این رو در برنامه‌های فقرزدایی، دولت باید به سرپرست مسن توجه بیشتری داشته باشد.

متغیر جنسیت که به صورت متغیر مجازی (مرد = ۱ و زن = ۰) وارد مدل شده است، نشان می‌دهد مرد بودن سرپرست خانوار نسبت به زن بودن آن، از احتمال قرارگیری خانوار در زیر خط فقر به میزان ۱/۵ درصد می‌کاهد. به عبارت دیگر احتمال وقوع فقر در خانوارهای زن سرپرست بیش از خانوارهای مرد سرپرست است. بنابراین، در سیاست‌های امحاء فقر، زنان سرپرست به‌ویژه آنان که به دوران پیری رسیده‌اند باید مورد عنایت خاص قرار گیرند.

۱. Caglayan (2012)

تحصیلات سرپرست خانوار دارای اثر معنادار منفی بر احتمال فقر خانوار است. طبق اثر نهایی، با یک سال افزایش تحصیلات سرپرست خانوار، احتمال فقر ۱/۲ درصد کاهش می‌یابد. وضعیت درآمد سرپرست که به صورت متغیر مجازی بدون درآمد در مقابل دارای درآمد وارد مدل شده، بیان‌گر آن است که عدم داشتن درآمد (داشتن هر کدام از وضعیت‌های بیکار، محصل و خانه‌دار) ۳/۸ درصد بر احتمال فقر خانوار می‌افزاید. در این صورت، چتر حمایتی - همانند یارانه باید برای سرپرستان بیکار، محصل و خانه‌دار در نظر گرفته شود.

زندگی در مناطق روستایی یا شهری بر فقر اثرگذار است. طبق نتایج با فرض ثبات سایر شرایط، انتظار بر این است که احتمال قرارگیری خانوارهای شهری در چرخه فقر ۸/۲ درصد بیش از خانوارهای روستایی باشد. اثر معنادار و منفی سطح زیربنای محل سکونت بر احتمال فقر، می‌تواند حاکی از آن باشد که با خروج خانوار از فقر، آنان در فضای وسیع‌تری سکونت می‌کنند. به عبارتی رابطه افزایش هر متر مربع زیربنا و احتمال خروج از فقر ۰/۰۱ درصد بوده است.

جدول ۷: نتایج برآورد مدل لاجیت داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی به روش حداکثر درست‌نمایی در سال ۱۳۹۲

متغیر	ضریب برآورد شده	$P > z $	اثر نهایی (dy / dx)
سن سرپرست	-۰/۰۹۱۴۹۴۲	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۹۱۷۸۹
مجدور سن سرپرست	۰/۰۰۰۷۴۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۰۷۴۷
تحصیلات سرپرست	-۰/۱۲۳۶۲۹۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۲۴۰۲۸
وضعیت درآمدی سرپرست*	-۰/۳۴۳۲۶۶۱	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۷۶۸۵
جنسیت سرپرست*	-۰/۱۴۹۱۵۶۲	۰/۰۰۴	-۰/۰۱۵۳۲۵
سطح زیربنا	-۰/۰۱۹۲۵۹۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱۹۳۲۲
بعد خانوار	۰/۷۰۳۲۵۸۷	۰/۰۰۰	۰/۰۷۰۵۵۲۸
تعداد افراد باسواد	-۰/۱۱۳۰۱۶۸	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۱۳۳۸۱
تعداد افراد شاغل	-۰/۳۷۰۱۲۷۲	۰/۰۰۰	-۰/۰۳۷۱۳۲۱
تعداد افراد دارای درآمد	-۰/۰۵۴۴۷۱۱	۰/۰۴۵	-۰/۰۰۵۴۶۴۷
شهری یا روستایی*	۰/۸۰۶۰۶۲۹	۰/۰۰۰	۰/۰۸۲۰۸۸۷
ثابت	۱/۲۳۶۰۶۶	۰/۰۰۰	
Log likelihood = -۱۴۲۸۲,۷۲۸			
Statistic LR = ۱۰۸۳/۵۱			
Statistic W = ۴۲۴۶/۸۷			
Number of Obs = ۳۸۳۰۳			

* اثر نهایی برای متغیرهای مجازی، به صورت تغییر از ۰ به ۱ است.

منبع: برآورد این پژوهش

۷- جمع‌بندی و راهبرد سیاستی

توجه به مسئله فقر و فقرزدایی یک موضوع مهم جهانی است. گسترش فقر موجب کاهش تقاضای مؤثر در جامعه خواهد شد و این امر کاهش تولید، اشتغال و تغییر در ترکیب تولیدات را در پی خواهد داشت. با توجه به چند بعدی بودن فقر، تصمیم‌گیری برای مبارزه با فقر، تخصیص اعتبار برای کاهش آن و موفقیت طرح‌های فقرزدایی به شاخص انتخابی برای اندازه‌گیری فقر و شناخت هر چه بیشتر این معضل اجتماعی-اقتصادی وابسته است. بدین منظور، در این مقاله ابتدا ۶۲ خط فقر خانوار در سطح استان‌ها به تفکیک شهری و روستایی با روش ۵۰ درصد میانگین مخارج و با استفاده از ریزداده‌های طرح هزینه-درآمد مرکز آمار ایران محاسبه گردید. طرح هزینه درآمد خانوار در سال ۱۳۹۲، ۱۹۴۳۰ خانوار روستایی و ۱۸۸۷۳ خانوار شهری در سطح کشور را شامل شده بود.

بر اساس خط فقر محاسبه شده، مشخص گردید ۱۸/۲ درصد از خانوارهای روستایی و ۲۰/۰۸ درصد از خانوارهای شهری در زیر خط فقر زندگی و با مسئله فقر دست و پنجه نرم می‌کنند. هم‌چنین بعد از محاسبه خط فقر روستایی و شهری به تفکیک استان مشخص شد که در ایران، استان تهران با داشتن ۲۷/۷ درصد خانوار فقیر در مناطق شهری و استان اصفهان با داشتن ۲۳/۷ درصد خانوار فقیر در مناطق روستایی بیشترین درصد فقرا را در خود جای داده‌اند. علاوه بر این، بیشترین خانوار زن سرپرست فقیر روستایی و شهری به ترتیب در استان قم (۲۷/۱ درصد) و استان خراسان شمالی (۲۱/۲ درصد) زندگی می‌کنند.

هم‌چنین، استان‌های تهران، اصفهان و سیستان و بلوچستان بیشترین درصد خانوار مرد سرپرست فقیر از کل خانوار مرد سرپرست ساکن در مناطق شهری و روستایی را در خود جای داده‌اند. در حالی که بیشترین درصد زنان فقیر سرپرست خانوار از کل زنان سرپرست در استان‌های خراسان‌های شمالی و رضوی و اصفهان سکونت داشته‌اند. علاوه بر موارد فوق، استان‌های مرکزی، سیستان و بلوچستان و اصفهان بیش‌ترین درصد سرپرستان بیکار را در بین خانوارهای فقیر دارند. نتایج به‌دست آمده از پردازش اولیه داده‌ها و توصیف آن‌ها نشان می‌دهد که در برنامه‌های فقر زدایی باید آمایش سرزمین در نظر گرفته شود.

بعد از شناسایی خانوارهای فقیر در سطح استان‌ها به تفکیک شهر و روستا، عوامل اثرگذار بر فقر خانوار با روش لاجیت داده‌های شبه تابلویی با اثرات تصادفی به روش حداکثر درستنمایی برآورد شد. از ویژگی‌های متمایز این مطالعه با دیگر مطالعات در زمینه فقر، محاسبه خط فقر در سطح

استان‌ها و به تفکیک روستا و شهر و خوشه‌بندی داده‌ها بر اساس آن و ایجاد یک پانل ساختگی یا یک شبه پانل با استفاده از داده‌های یک سال معین بوده است. دو راهبرد مشخص از نتایج حاصل از برآورد الگو می‌توان ارائه نمود:

در سیاست‌های امحاء فقر، زنان سرپرست مسن مورد عنایت خاص قرار گیرند و دیگر این که چتر حمایتی باید برای سرپرستان بیکار، محصل و خانه‌دار باشد.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم‌پور، سمانه (۱۳۹۰). *تاثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی بر فقر در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
۲. ابراهیم‌پور، سمانه. و علمی، زهرا (میلاد) (۱۳۹۲). "تعیین‌کننده‌های فقر خانوارهای شهری ایران در سال ۱۳۸۸ کاربرد مدل داده‌های تابلویی با متغیر وابسته محدود". *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی)* ۱۳(۴۹): ۱۱۶-۱۰۱.
۳. باقری، فریده. حیدری، خلیل. دانش‌پرور، نیما. کاوند، حسین. و پیمان، سید حسین (۱۳۸۶). *ارائه‌ی شیوه‌ای برای محاسبه‌ی خط فقر رسمی در ایران*، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی.
۴. پورقربان، محمدرضا (۱۳۸۷). *نقش مالیات و یارانه در کاهش فقر در ایران*، رساله دوره دکتری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
۵. پیرائی، خسرو. و شهبوسار، محمدرضا (۱۳۸۸). "بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس". *پژوهش‌نامه اقتصادی* ۹(۳): ۲۶۴-۲۳۳.
۶. حسن‌زاده، علی (۱۳۷۹). "بررسی عوامل مؤثر بر فقر: مطالعه موردی ایران". *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران* ۳(۴): ۱۸۳-۱۳۵.
۷. حکمتی فرید، صمد (۱۳۹۳). *بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای دارای سرپرست شاغل و غیر شاغل شهری کشور، اولین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ ایرانی اسلامی*.
۸. حیدری، خلیل. فرامرزی، ایوب. قصوری، شکوفه. و ایرا، عبدالرحیم (۱۳۹۴). *برآورد خط فقر و شاخص‌های نابرابری در ایران ۱۳۸۳-۱۳۹۲*، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، مرکز آمار ایران.
۹. خالدی، کوهسار. و پر مه، زورار (۱۳۸۴). "بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۲-۱۳۷۵)". *اقتصاد کشاورزی و توسعه* ۱۳(۴۹): ۸۴-۵۷.
۱۰. خداداد کاشی، فرهاد. باقری، فریده. حیدری، خلیل. و خداداد کاشی، امید (۱۳۸۱). *اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران: کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر و شاخص فقر ۱۳۷۹-۱۳۶۳*، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، مرکز آمار ایران.
۱۱. راغفر، حسین. و باباپور، میترا (۱۳۹۳). "تجزیه و تحلیل رفتار بین نسلی هزینه مصرفی خانوارهای شهری با استفاده از داده‌های شبه تابلویی". *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی* ۱۰: ۱۹۹-۱۷۷.
۱۲. سالاری، محمدجعفر (۱۳۹۵). "بررسی مقایسه‌ای فقر در هشت استان شرق کشور (۱۳۸۳-۱۳۹۳)". *فصلنامه ایده‌های نو در علوم و فناوری* ۱(۱): ۲۴-۱۲.

۱۳. عرب مازار، عباس. و حسینی نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۳). "عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران". جستارهای اقتصادی ۱۱(۱): ۹۴-۶۷.
۱۴. علمی، زهرا (میلا). و علی‌تبار لداری، فهیمه (۱۳۹۱). "اثر آموزش و بعد خانوار بر احتمال خروج از فقر در مناطق شهری ایران در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸". فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی ۱۲(۴۶): ۱۴۱-۱۰۹.
۱۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۱). ترجمه گزارش توسعه جهانی بانک جهانی ۲۰۰۱-۲۰۰۰، مبارزه با فقر، بانک جهانی.
۱۶. مرکز آمار ایران (۱۳۹۲). داده‌های طرح هزینه-درآمد خانوار.
۱۷. مهریار، امیرحوشنگ (۱۳۷۳). "فقر: تعریف و اندازه‌گیری آن". مجله برنامه و توسعه ۲(۸): ۸۸-۳۹.
۱۸. نجفی، بهالدین. و شوشتریان، آشان (۱۳۸۶). "برآورد خط فقر، اندازه فقر و بررسی تعیین‌کننده‌های آن در خانوارهای شهری و روستایی در ایران". مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه ۱۵(۵۹): ۲۴-۱.

19. Achia, T. N. Wangombe, A. & Khadioli, N. (2010). "A Logistic Regression Model to Identify Key Determinants of Poverty Using Demographic and Health Survey Data". European Journal of Social Sciences 13(1): 38-45.
20. Atkinson, A. B. (1989). *Poverty and Social Security*, Harvester Wheatsheaf.
21. Biyase, M. and Zwane, T. (2017). "An Empirical Analysis of the Determinants of Poverty and Household Welfare in South of Aferica". MPRA <https://mpra.ub.uni-muench.de/77085>.
22. Caglayan, E. Kosan, N. I. & Astar, M. (2012). "An Empirical Analysis of the Determinants of Household Poverty in Turkey". Asian Economic and Financial Review 2(1): 181-191.
23. Deaton, A. (1985). "Panel Data from a Time Series of Cross-Sections". Journal of Econometrics 30: 109-126.
24. Garza-Rodriguez, J. (2015). "The Determinants of Poverty in the Mexican States of the US-Mexico Border". GARZA-RODRÍGUEZ, Jorge. Los determinantes de la pobreza en los estadosmexicanos en la frontera con EstadosUnidos. Estudios Fronterizos 17: 141-167.
25. Geda, A. Jong, N. & Kimenyi, M.S. (2005). "Determinants of Poverty in Kenya: A Household Level Analysis". University of Connecticut. Working Paper 2005-44.

26. Ghazouani, M. & Goaid, S. (2001). "The Determinants of Urban and Rural Poverty in Tunisia". Discussion Paper Laboratoire d'Econométrie Appliquée (LEA), Faculté des Sciences Economiques et de Gestion de Tunis, Tunisia.
27. Haddad, K. G. (2017). "Parents Decision on Child Labor and School Attendance Evidence from Iranian Households". Journal of Education and Work Fortcoming, DOI: 10.1080/13639080.1341.44
28. Majeed, M. T. & Malik, M. N. (2014). "Determinants of Household Poverty: Empirical Evidence from Pakistan". Online at [http://mpra.ub.uni-muenchen.de/57744/MPRA Paper No. 57744.](http://mpra.ub.uni-muenchen.de/57744/MPRA_Paper_No.57744)
29. Mincer, J. (1958). "Investment in Human Capital and Personal Income Distribution". The Journal of Political Economy 281-302. [https://www.jstor.org/stable/1827422.](https://www.jstor.org/stable/1827422)
30. Mincer, J. (1974). *Schooling, Experience and Earning*, New York, Columbia University Press.
31. Mok, T. Y. Gan, C. & Sanyal, A. (2007). "The Determinants of Urban Household Poverty in Malaysia". Journal of Social Sciences 3(4): 190-196.
32. Ravallion, M. (1996). "Issues in Measuring and Modeling Poverty". Economic Journal 106: 1328-1343.
33. Rowntree, B. S. (1901). *Poverty: a Study of Town Life*, London, Macmillan.
34. Sen, A. K. (1987). *Commodities and Capabilities: Professor Dr. P. Hennipman Lectures in Economics, 1982 Delivered at the University of Amsterdam*, Oxford University Press.
35. Townsend, P. (1985). "A Sociological Approach to the Measurement of Poverty-A Rejoinder to Professor Amartya Sen". Oxford Economic Papers 37(4): 659-668.